

رسالة محمد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری ایران با نگاهی بر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

از:

کاظم علی پور چسلی

استادان راهنما

دکتر مجتبی جانی پور

دکتر محمدرضا نظری نژاد

استاد مشاور

آقای عباس سلیمان پور

شهریورماه ۱۳۹۲

تقدیم بہ

پدر فداکارم

و

مادر مہربانم

ساکزاری

پاس گزارم از اساتید محترم راهنمایم جناب آقای دکتر محتبی جانی پور و دکتر محمد رضا نظری نژاد و از استاد مشاورم جناب آقای عباس سلمان

پور و همچنین از سایر اساتید محترم که در وقت فراغ و جرم شناسی جناب آقای دکتر حسن شاه ملک پور و جناب آقای دکتر حسین آقلبایی

فهرست مطالب

۱-مقدمه.....	۱
۲-بیان مسأله.....	۱
۳-پرسش‌ها.....	۲
۴- فرضیه‌ها.....	۲
۵- اهداف تحقیق.....	۳
۶-روش تحقیق.....	۳
۷- پیشینه تحقیق.....	۳
فصل اول: کلیات	۴
۱-۱-مقدمه	۵
۱-۲- مبانی نظری به رسمیت شناختن حقوق متهم	۵
۱-۲-۱- مبانی فلسفی	۵
۱-۲-۲- مبانی جامعه شناسی	۵
۱-۲-۳- مبانی حقوق بشری	۶
۱-۳- اصول و قواعد راهبردی حاکم بر حقوق متهم	۷
۱-۳-۱- اصل قانونی بودن دادرسی {اصل ۳۶ قانون اساسی}	۷
۱-۳-۲- اصل برائت {فرض بی‌گناهی}	۷
۱-۳-۳- قاعده درء	۸
۱-۳-۴- اصل کرامت انسانی	۹
۱-۳-۵- اصل تساوی سلاح‌ها	۹
۱-۳-۶- اصل محاکمه شدن در مدت متعارف	۱۰

فصل دوم: حقوق متهم در دادسرا (مرحله تحقیقات مقدماتی).....	۱۲
۱-۲- مقدمه	۱۳
۲-۲- مفاهیم	۱۳
۱-۲-۲- تعریف حق	۱۳
۲-۲-۲- تعریف متهم	۱۳
۳-۲-۲- تعریف دادسرا	۱۳
۴-۲-۲- تعریف تحقیقات مقدماتی	۱۳
۳-۲- ابزارهای حمایتی و دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی	۱۴
۱-۳-۲- اعلام حق سکوت	۱۴
۲-۳-۲- اعلام مواظب بودن در اظهارات	۱۴
۳-۳-۲- تفهیم موضوع و دلایل اتهام	۱۵
۴-۳-۲- حق آگاهی متهم از پرونده مقدماتی	۱۶
۵-۳-۲- حق بهرمندی از وکیل	۱۶
۶-۳-۲- حق بهرمندی از مترجم	۱۸
۷-۳-۲- حق احضار شهود	۱۹
۸-۳-۲- حق مواجهه متهم با شهود و شاکی و پرسش از آنها	۲۰
۹-۳-۲- مرور زمان تعقیب	۲۱
۱۰-۳-۲- خسارت زدایی از متهم بی‌گناه	۲۲
۱۱-۳-۲- رعایت حریم خصوصی متهم	۲۴
۱-۱۱-۳-۲- حریم خصوصی در اسناد بین المللی	۲۴
۲-۱۱-۳-۲- حریم خصوصی در اسناد داخلی	۲۵
۳-۱۱-۳-۲- نقض حریم خصوصی به موجب قانون	۲۵
۴-۱۱-۳-۲- ضمانت اجرای نقض حریم خصوصی	۲۷

- ۲۸-۱۲-۳-۲- ممنوعیت شکنجه و رفتار موهن
- ۳۰-۱-۱۲-۳-۲- ممنوعیت شکنجه به روایت اسناد داخلی
- ۳۰-۲-۱۲-۳-۲- ضمانت اجرای تخلف از اصول حاکم بر ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی
- ۳۱-۳-۱۲-۳-۲- ممنوعیت شکنجه به روایت اسناد بین المللی
- ۳۱-۴-۲- سایر ملاحظات مربوط به حقوق متهم
- ۳۳-۱-۴-۲- بازداشت موقت با توجه به ملاحظات حقوق متهم
- ۳۳-۱-۱-۴-۲- حق آزادی متهم در اسناد بین المللی
- ۳۳-۲-۱-۴-۲- بازداشت موقت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
- ۳۴-۲-۴-۲- تحصیل دلیل با توجه به ملاحظات حقوق متهم
- ۳۶- فصل سوم: حقوق متهم در دادگاه (حقوق مختص مرحله رسیدگی و اجرای حکم)
- ۳۷-۱-۳- مقدمه
- ۳۷-۲-۳- مفهوم دادگاه
- ۳۷-۳-۳- ابزارهای حمایتی و دفاعی متهم در مرحله رسیدگی
- ۳۷-۱-۳-۳- دادگاه صالح
- ۳۸-۲-۳-۳- دادگاه مستقل و بی طرف
- ۳۸-۳-۳-۳- محاکمه علنی
- ۳۹-۴-۳-۳- تکلیف دادگاه به اصلاح ذات البین
- ۴۰-۵-۳-۳- حق واخواهی
- ۴۰-۱-۵-۳-۳- حق واخواهی متهم و استثنای تلقی نمودن رسیدگی غیابی
- ۴۱-۲-۵-۳-۳- مبانی استثنای بودن رسیدگی غیابی
- ۴۳-۳-۵-۳-۳- ضوابط حق واخواهی از رأی غیابی
- ۴۴-۱-۳-۵-۳-۳- دیدگاه اول
- ۴۴-۲-۳-۵-۳-۳- دیدگاه دوم

- ۳-۳-۵-۳-۳- رسیدگی غیابی و واخواهی از آن در دادسرا و دادگاه تجدید نظر..... ۴۶
- ۳-۳-۵-۳-۳- آثار واخواهی ۴۷
- ۳-۳-۵-۳-۳- دیدگاه اول ۴۹
- ۳-۳-۵-۳-۳- دیدگاه دوم ۴۹
- ۳-۳-۵-۳-۳- حق واخواهی در فقه ۵۰
- ۳-۳-۵-۳-۳- جایگاه حکم غیابی در فقه و نحوه اعتراض به آن ۵۰
- ۳-۳-۵-۳-۳- معیار تشخیص حق الله و حق الناس ۵۳
- ۳-۳-۵-۳-۳- نگاهی به لایحه آیین دادرسی کیفری ۵۵
- ۳-۳-۳-۳- حق تجدید نظر خواهی ۵۷
- ۳-۳-۳-۳- مقایسه اجمالی تجدید نظرخواهی در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق ایران ۵۷
- ۳-۳-۳-۳- حق درخواست اعاده دادرسی ۵۸
- ۳-۳-۳-۳- مقایسه اجمالی اعاده دادرسی در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق ایران ۵۸
- ۳-۳-۳-۳- رعایت مرور زمان ۵۹
- ۳-۳-۳-۳- منع محاکمه مجدد ۵۹
- نتیجه گیری ۶۱
- پیشنهادات ۶۲
- منابع و مآخذ ۶۳

چکیده:

عنوان : حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری ایران با نگاهی بر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

نام دانشجو: کاظم علی پور چسلی

با بررسی قوانین و اسناد داخلی و بین المللی می توان گفت حقوق متهم دارای مبنای فلسفی ،جامعه شناسی و حقوق بشری است. این مبانی مقتضی وجود ضمانت اجرا جهت جلوگیری از تضییع حقوق متهم به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر اصولی از جمله اصل برائت، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل تساوی سلاح ها و اصل محاکمه شدن در مدت متعارف سعی بر آن دارد تا در طول فرایند دادرسی به حقوق و آزادیهای فردی متهم خدشه ای وارد نشود. برای توجه به حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری ابتدا باید این موضوع در جامعه و به خصوص بین قضات نهادینه شود که متهم یک شهروند است هر چند احتمال دارد متهم حقوقی از یک شهروند و به تبع آن حقوق جامعه را تضییع نماید این امر نباید موجب شود محاکم ، متهم را خارج از ضوابط دادرسی منصفانه مجازات کنند. اگر قضات با متهمی در خارج از محدوده قانونی رفتار نمایند باید مجازات شوند زیرا همان کاری را کرده اند که فرد متهم انجام داده است .

کلیدواژه: حقوق متهم، دادسرا، دادگاه، اساس نامه دیوان کیفری بین المللی، آزادی های فردی

Abstract

Rights of the Defendants in the Process of Iranian Criminal justice Considering the International Criminal Court Statute

Kazem Alipour chesli

Having reviewed the national and international laws and documents, it can be said that, rights of the accused enjoys philosophical, sociological and human rights basis. This basics will provide an enforcement to prevent from the violation of rights of the accused, from the other hand, presumption of innocence (exculpation), Legality of the proceedings the principle of equality of arms and fair trial within a period, tries not to undermine the rights and freedoms of the individual defendants during the hearing process. Considering the rights of defendants in Hearing Process, first it should be institutionalized in society and particularly among judges that the defendant is a citizen Although it is possible he is legally charged with a violation of the rights of citizens and consequently the society, this should not cause the court to sentence the defendant out of a fair trial standards. If the judges, act outside the law, should be punished because they has done something that the defendants has committed.

Key words: Defendants' rights, Court, Tribunal, the International Criminal Court Statute, Individual liberteis

مقدمه :

رعایت حقوق متهم در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله رسیدگی، بسیار مهم و حیاتی است. از این رو در قانونگذاری اکثر کشورها به این مهم پرداخته شده است. در اسناد بین المللی و حقوق بشری نیز فراتر از حقوق داخلی کشورها به حقوق متهم پرداخته شده که نشان از ملاحظات حقوق بشری در عرصه بین المللی دارد. عدالت قضایی و امنیت قضایی ایجاب می نماید معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه و منصفانه در طول فرایند دادرسی مراعات گردد . تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است، اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در این مرحله مانند کشف جرم، تعقیب متهم باید متضمن حفظ حقوق و آزادی های اساسی متهمان باشد. « در جریان جنگ دوم جهانی چرچیل و دیگر رهبران هم پیمان او مسئله دادرسی فوری و بدون تشریفات جنایتکاران جنگی را مطرح کردند . اما دادستان دادگاه نورمبرگ رابرت جکسون در پاسخ به این پیشنهاد چ نین اظهار داشت که تاریخ بر اساس موازین عدالت در باره این محاکمات قضاوت خواهد کرد . تنها تا چند سال بعد یکی از محاکم نورمبرگ چنین نظر داد که قضات و دادستان هایی که در جریان محاکمه فاقد تضمین های اساسی عادلانه مشارکت داشته اند ،می توانند مسئول شناخته شوند . این موازین و تضمین ها عبارتند از اصل برائت،حقوق متهم برای طرح ادله، مواجهه شهود، احضار شهود ، محاکمه علنی، داشتن وکیل انتخابی و اطلاع از ماهیت اتهامات انتسابی . و اخیراً قضات دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در نخستین رأی مهم شعبه استیناف اعلام نموده است: لازمه چنین دادگاهی رعایت کلیه استانداردهای بین المللی است . اساسنامه رم برای زدودن هرگونه شک و تردیدی با تدوین جزئیات مربوط به تضمین های آئین دادرسی ،بر اساس ماده ۶۷ از حقوق متهم حمایت می کند» (شبت ۱۳۸۴، ۱۰۶) . در این پژوهش به اصول کلی حاکم بر حقوق متهم در طول فرایند دادرسی و همچنین ابزارهای حمایتی و دفاعی مربوط به حقوق متهم پرداخته می- شود و مباحث آن مورد تجزیه تحلیل قرار خواهد گرفت . حقوق متهم در اساس نامه نیز با حقوق داخلی مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

بیان مسأله :

حقوق متهم در فرایند دادرسی کیف ری هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در اسناد بین المللی از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تضمین شده است،اما در قوانین عادی کشور ایران آن طور که می بایست این حقوق تضمین می شد، اقدامات بنیادی و مهم در تحقق بخشیدن اهداف مورد نظر در قانون اساسی در این زمینه صورت نگرفته است، از جمله محدود بودن قرارهای تأمین به پنج مورد مقرر در قانون آئین دادرسی کیفری که سبب باز داشت شدن بسیاری از متهمان در مراحل رسیدگی کیفری می گردد از یک سو و افزودن موارد باز داشت موقت اجباری متهمان و همچنین منع حضور وکیل مدافع در صورت ترتب فساد به تشخیص مرجع تحقیق در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی دیگر از جمله موانع و مشکلاتی است که باید در قالب های قانونی رفع نمود، در نتیجه ، وقتی کاستی باشد و بسیاری از حقوق متهم به رسمیت شناخته نشود ،

احیای حقوق متهم را نمی توان برآورده شده دید، از طرف دیگر، در مقام عمل و اجرای قانون نیز مشکلاتی وجود دارد که آن هم به نارسایی قوانین موجود بر می گردد از جمله این مشکلات را می توان به فقدان ضمانت اجراهای کیفری و انتظامی شفاف، روشن و دقیق و نبود آموزش های لازم و فرهنگ سازی اشاره نمود که می توان این موانع را هم در قالب های قانونی منسجم در جهت نیل به حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری برطرف نمود.

با توجه به گفته های فوق، تبیین حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری محور اصلی این پژوهش است . این حقوق تضمین نمی گردد مگر اینکه اول: قانون گذار در تدوین قوانین دادرسی کیفری این حقوق را به دقت لحاظ کند دوم: نقض این حقوق را به طور شفاف و مشخص به مجریان قانون گوشزد کند و با ضمانت اجرای کیفری و انتظامی دقیق و مدون همراه سازد سوم : از طریق آموزش های لازم به مجریان قانون، فرهنگ سازی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین می توان این حقوق را در رسیدگی کیفری تضمین نمود، همچنین در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، تنظیم کنندگان اساسنامه حقوق متهم را به صراحت بیان کرده اند مثل حق داشتن وکیل، مترجم و حق تفهیم اتهام . در این پژوهش مقررات راجع به حقوق متهم مندرج در ماده ۶۷ اساسنامه با مقررات آئین دادرسی کیفری ایران نیز مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

پرسش ها :

- ۱- آیا قوانین مربوط به دادرسی کیفری ایران توانسته حقوق متهم را در فرایند دادرسی کیفری به طور شایسته تضمین کند؟
- ۲- آیا متهم در فرایند دادرسی کیفری ایران همچنان یک شهروند و دارای حقوق و آزادی های برابر با غیر متهمان است؟
- ۳- چه راهکارهایی جهت حصول به حفظ حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری وجود دارد؟
- ۴- آیا مقررات دادرسی کیفری ایران اعم از مقررات مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی با مقررات مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی راجع به حقوق متهم انطباق دارد یا خیر؟

فرضیه ها :

فرضیه اول:

به دلیل فقدان ضمانت اجراهای شفاف و روشن و جود موانع عملی، حقوق متهم در فرایند کیفری با چالش مواجه است، بنابراین قوانین کیفری نتوانسته است حقوق متهم را در فرایند کیفری تضمین کند.

فرضیه دوم:

از متهم همچنان به عنوان یک شهروند حمایت می شود، هر چند دارای حقوق و آزادی های برابر با شهروندان غیر متهم نیست.

فرضیه سوم:

ایجاد نهادهای نظارتی، آموزش های لازم به مجریان قانون، ایجاد حس مسولیت، استفاده از تجارب کشورها از جمله این راهکارها است.

فرضیه چهارم:

مقررات دادرسی کیفری ایران راجع به حقوق متهم با مفاد و مندرجات اساسنامه دیوان کیفری بین المللی انطباق کامل ندارد.

اهداف تحقیق :

در این پژوهش نظر بر این است که به تبیین جامع حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری پرداخته شود، معضلات و موانع تحقق این حقوق مورد بررسی و چالش قرار گیرد، راهکارها و پیش-نهادهای علمی و عملی در جهت رفع موانع تحقق عدالت، در فرایند دادرسی کیفری ارایه گردد و قانون گذار را در تدوین قوانین دادرسی عادلانه یاری رساند.

روش تحقیق :

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات، اسناد و مقالات الکترونیکی انجام می پذیرد، پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل بر روی داده و تطبیق آرای گوناگون و ارائه نظرات خود، در نهایت به نتیجه گیری و پیشنهادات خواهد رسید

پیشینه تحقیق :

پایان نامه ای با این عنوان مشاهده نشد اما پایان نامه هایی در ارتباط با این موضوع وجود دارد از جمله:

- ۱- حقوق و آزادی های متهم در تحقیقات مقدماتی از هادی نجف آبادی، استاد راهنما رضا نور بها، دانشگاه بهشتی ۱۳۷۸
- ۲- تضمین حقوق متهم در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، از حسین آقایی جنت مکان، استاد راهنما آخوندی محمود، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۵
- ۳- تجاوز مأمورین انتظامی و قضایی به حقوق متهم از موسی زارعی، استاد راهنما کوشا جعفر، دانشگاه بهشتی ۱۳۷۸
- ۴- تضمین حقوق متهم در حقوق ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر از محسن شریفی، استاد راهنما کوشا جعفر، دانشگاه تهران ۱۳۷۸

پایان نامه های مذکور هر کدام به بخشی از حقوق متهم در مرحله ای از دادرسی کیفری اشاره نموده اند در حالی که پایان نامه حاضر به حقوق جامع متهم در طول فرایند دادرسی کیفری پرداخته است و علاوه بر این در مقام مقایسه مقررات ایران با اساس نامه دیوان کیفری بین المللی نیز مورد بحث قرار گرفته است.

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

در این فصل به دو بخش مبانی حقوق متهم و اصول حاکم بر حقوق متهم پرداخته می‌شود در تفاوت میان مبانی و اصول حاکم بر حقوق متهم؛ باید گفت مبانی آرایه‌کننده بسترهای فکری و نظری اما اصول به ملاحظات حقوقی و اجرایی مقنن اشاره می‌نماید (آقابابایی، ۱۳۸۷، ۳۸). برای اینکه بتوانیم حقوق متهم را به رسمیت بشناسیم باید بتوانیم مبنا و اصول حقوقی را خوب درک نماییم.

۱-۲-۱- مبانی نظری به رسمیت شناختن حقوق متهم

۱-۲-۱- مبانی فلسفی

حقوق متهم ریشه فلسفی دارد. با این سؤال که چرا حقوق متهم؟ «بدیهی‌ترین مفهومی که از حقوق داریم این است که رعایت قواعد آن اجباری و ایجاب الزام می‌کند پس نخستین پرسشی که به ذهن هر اندیشمند کنجکاو می‌رسد این است که نیروی الزام آور حقوق از کجا سرچشمه می‌گیرد و چه مقامی ارزش قواعد آن را تأمین می‌کند؟ این منبای پنهانی و نیرومند را که پایه همه قواعد و توجیه‌کننده الزام ناشی از آنها است در اصطلاح مبنا حقوق می‌گویند تمیز این مبناهای مهمترین و پیچیده‌ترین مسأله فلسفه حقوق است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۱). سؤالی که مطرح می‌شود اینکه آیا حقوق تنها به منظور نگاهداری اجتماع و تضمین بقای حکومت و ایجاد نظم است یا متکی بر عدالت باشد و برای هر کس حق و تکلیفی شناسد که شایسته و سزاوار است؟ «در این زمینه دو‌گرایی فکری وجود دارد ۱- آرمان‌گرایان که معتقدند مبناهای اصلی حقوق عدالت است لزوم احترام به اصول حقوقی ناشی از اراده حکومت نیست بلکه بخاطر آن است که این اصول با عدالت موافقت دارد ۲- واقع‌گرایان معتقدند مبناهای حقوق قدرت حکومت یا وجدان عمومی است نه عدالت. اصول حقوقی خود به خود و به لحاظ اتکایی که به اراده دولت دارد همیشه محترم است خواه هدف آن نظم باشد یا اجرای اصول عدالت» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۱ و ۱۲). در نتیجه باید گفت مبناهای فلسفی حقوق متهم هم اجرای نظم اجتماعی و هم اجرای عدالت می‌باشد. رعایت حقوق متهم لازمه رعایت کرامت انسانی است. از سوی دیگر پرهیز از اشتباهات مقتضی رعایت اصولی است که تا سر حد امکان، محکومیت‌های اشتباه را زایل می‌کند. همه این امور در گروه رعایت دادرسی منصفانه‌ای که به حقوق متهم توجه می‌نماید.

۱-۲-۲- مبانی جامعه‌شناسی

«حقوق نیز مانند سایر مظاهر زندگی اجتماعی در بدو امر با دیگر پدیدارهای جامعه مخصوصاً با آداب مذهبی، عرف و رسوم آمیخته است. آنچه در حقوق اقوام بدوی نظر محققین اروپائی را جلب می‌کند، کثرت و تنوع مقرراتی است که به نظر او از دایره

حقوق بیروند حتی در حقوق کشور چین تمایزی میان حقوق و عرف و معتقدات عمومی بیرون نیست «(لوی برول و غیره، ۱۳۷۱، ۴۷) بنابر این حقوق مبنا و منشاء خود را از جامعه می‌گیرد در نتیجه حقوق متهم نیز مستثنی از این امر نیست حقوق مذکور نیز ریشه در عرف و عادت جامعه دارد. بی‌نظمی و ناهنجاری را باید با نظم اجتماعی و رعایت اصول و قواعد اجتماعی شناخته شده در جامعه پاسخ داد. البته ناگفته نماند حقوق در کشور ما ریشه مذهبی دارد که مذهب نیز می‌تواند در دل یک جامعه مذهبی رسوخ کند و ایجاد قاعده حقوقی نماید که برای شهروندان یک جامعه مذهبی الزام آور باشد. در تکمیل نظر فوق برخی حقوقدانان معتقدند «در حقوق اسلامی نیز نظام حقوقی تابع قرآن است و در قرآن میان قواعد حقوقی و دستورات مذهبی و اخلاقی تفاوتی نیست».(همان، ۴۷)

۱-۲-۳- مبانی حقوق بشری

حقوق متهم مبانی حقوق بشری دارد به این معنا که در اسناد بین‌المللی این حقوق به رسمیت شناخته شده است به عنوان نمونه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به این حقوق اشاره شده است. بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب می‌شود تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او محرز گردد. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقلاً حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

الف: در اسرع وقت و به تفضیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود

ب: وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد

ج: بدون تأخیر موجه درباره او قضاوت بشود

د: در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت

ه: از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سوالات بکند یا بخواهد که از آنها سوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سوالات بشود

و: اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند

ز: مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.(به نقل از امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ۹۹ و ۱۰۰)

در اساس نامه دیون کیفری بین‌المللی به عنوان یک سند بین‌المللی مطابق ماده ۶۷ به طور صریح به حقوق متهم اشاره شده است.

۱-۳- اصول و قواعد راهبردی حاکم بر حقوق متهم

۱-۳-۱- اصل قانونی بودن دادرسی {اصل ۳۶ قانون اساسی}

اصل قانونی بودن دادرسی بدین معنی است که دادرسی کیفری نیز مثل اصل قانونی بودن جرم و مجازات در چارچوب قانون باشد در خصوص اصل قانونی بودن دادرسی در قانون آئین دادرسی کیفری سخنی به میان نیامده است و ذکر آن به فراموشی سپرده شده است اما در لایحه آئین دادرسی کیفری این اصل به رسمیت شناخته شده است. به موجب ماده ۲ لایحه آئین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد بدین معنی که مقامات قضائی موظفند علاوه بر رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات {ماده ۲ قانون مجازات اسلامی} به اصل قانونی بودن دادرسی و اجرای دقیق آن احترام بگذارند. البته اشکالی که وجود دارد این است که در صورتی که قاضی از اصل قانونی بودن دادرسی عدول کند با چه ضمانت اجرایی مواجه خواهد شد؟ به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی؛ اجرای مجازات باید به موجب قانون باشد که این امر به اصل قانونی بودن دادرسی بر می‌گردد. در اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تصریحی به رعایت اصل قانونی بودن دادرسی وجود ندارد اما از بعضی حقوق مصرح متهم در اساس نامه مثل منع محاکمه مجدد، رعایت بی‌طرفی و دادرسی منصفانه می‌توان این تلقی را داشت که به اصل قانونی بودن دادرسی توجه شده است. به نظر می‌رسد ماده ۲ لایحه آئین دادرسی کیفری که از دادرسی عادلانه، منصفانه سخن به میان آورده اصل قانونی بودن دادرسی را در پرتو دادرسی عادلانه و منصفانه به رسمیت شناخته است.

۱-۳-۲- اصل برائت (فرض بی‌گناهی)

اصل برائت در اصطلاحات فقهی عبارت است گرایش به طرف نفی الزام قانونی و عدم تعهد و تکلیف و آزادی اراده در موقع برخورد با شک در تکلیف (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۱۰۷). «اصل برائت که آن را می‌توان میراث مشترک حقوقی همه ملل مترقی جهان محسوب کرد در یکی دو قرن اخیر وبه ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گرفته است» (آشوری، ۱۳۷۶، ۱۳۵). «امنیت و آزادی دو گوهر گرانبهای اجتماعی است که بستر رشد، تکامل و بالندگی افراد اجتماع را فراهم می‌آورد. حفظ و توسعه بیشتر حقوق بشر و آزادیهای اساسی در گرو رعایت پاره‌ای از اصول و قواعد است، یکی از اصولی که نقش به‌سزایی در تضمین شناسایی و رعایت مؤثر و همدلانه حقوق بشر و آزادیهای فردی دارد، اصل برائت می‌باشد. این اصل بعنوان ضامن آزادیها و حقوق مشروع و قانونی افراد جامعه بشری نقش به‌سیار مهمی در تأمین حفظ کرامت و حیثیت افراد جامعه در برابر متعرضان و افراد مغرض دارد. پیش‌بینی اصل برائت در حقوق کیفری را می‌توان یکی از تدابیر در جهت حفظ امنیت روانی، فیزیکی و ثبات اجتماعی و معنوی افراد جامعه محسوب نمود» (سرمست بناب، ۱۳۸۷، ۵۳ و ۵۴).

«آثار حاکم بر اصل برائت:

۱- تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارایه دلیل علیه متهم جز در مواردی که به حکم قانون چنین تکلیفی از وی سلب شده بلشد.

۲- ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود.

۳- ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود.

۴- ضرورت تدوین قوانین و مقررات لازم جهت انجام دادن یک دادرسی عادلانه.

۵- ضرورت تفسیر شک به سود متهم

۶- استثنایی تلقی نمودن بازداشت موقت متهم و امتناع از توسل به آن جز در موارد ضروری و استفاده از قرارهای تأمینی دیگر

۷- رها ساختن فوری محبوس پس از صدور حکم برائت از دادگاه و به رغم فرجام خواهی دادستان» (آشوری، ۱۳۸۳، ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷)

اصل برائت در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی مطابق ماده ۶۶ چنین بیان گردیده است:

۱- اصل بر بی گناهی اشخاص است مگر آن که بر طبق حقوق قابل اجرا، قانون حاکم خلاف آن در دیوان ثابت شود.

۲- اثبات مجرمیت شخص به عهده دادستان است.

۳- در صورتی دیوان می تواند رأی به محکومیت شخص بدهد که بدون هیچ شبهه ای مجرمیت وی را قبلاً احراز کرده باشد.

در قانون آئین دادرسی کیفری به اصل برائت اشاره نگردیده است اما در قانون اساسی ایران به موجب اصل ۳۷^۱ و در لایحه

آئین دادرسی کیفری به موجب ماده ۴ به اصل برائت اشاره گردیده است^۲

۱-۳-۳- قاعده درء

«قاعده فقهی درء به نوعی با اصل برائت همتایی دارد. «مفاد اجمالی قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن

به متهم و یا مسؤولیت و استحقاق مجازات وی ، به جهتی محل تردید و مشکوک باشد به موجب این قاعده بایستی جرم و

مجازات را منتفی دانست» (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۴۳). «از حیث مبنا در حقوق کیفری اسلام جایگاه اصل برائت را بایستی در

قاعده معروف «ادرثوا الحدود بالشبهات» جستجو نمود که روایات فراوانی به طور مستقیم و غیر مستقیم بر آن دلالت دارند «

(سرمست بناب، ۱۳۸۷، ۵۴) در نتیجه باید گفت تا زمانی که جرم کشف نشده و ادله کافی جهت انتساب عمل مجرمانه وجود

نداشته باشد و برای قاضی ایجاد یقین به انتساب جرم به متهم نباشد و یا رفتاری مطابق قانون جرم نباشد نمی توان کسی را

۱- اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد .

۲- اصل، برائت است . هرگونه اقدام محدود کننده ، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص مجاز نمی باشد ، مگر به حکم قانون و با رعایت

مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، در این صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند

محکوم و مجازات نمود زیرا اصل برائت و قاعده درء حاکم خواهد بود.

۱-۳-۴- اصل کرامت انسانی

اصل کرامت انسانی به عنوان یک اصل حقوق بشری در قانون آئین دادرسی کیفری مورد توجه و لحاظ قرار نگرفته است. عرصه دادگستری عرصه بسیار پیچیده ای است. اگر کوچک ترین اشتباهی صورت گیرد حقوق متهم که از اساسی ترین موضوعات حقوق کیفری است تضییع خواهد شد. در قانون اساسی ایران به این اصل به نوعی اشاره شده است اصل ۲۰، ۲۲، ۲۳ قانون اساسی^۱ گویای این موضوع است. «در ماده ۲۴ آئین دادرسی کیفری افغانستان در خصوص اصل کرامت انسانی چنین یاد شده است: آزادی حق طبیعی انسان است، این حق جز آزادی دیگران و مصالحه عامه که توسط قانون تنظیم می گردد حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسانی مکلف می باشد» (حیدر علامه، ۱۳۸۶، ۳۴). هر چند متهم باید به پای محکمه کشانده شود اما کرامت انسانی و ارزش انسان، به عنوان اشرف مخلوقات باعث می شود چرخه قضایی نتواند به هر نحوی که خودش مصلحت دید متهم را محاکمه نماید. در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی نیز به بحث حفظ کرامت انسانی اشاره نشده است اما در لایحه آئین دادرسی کیفری ایران به موجب ماده ۴ بر حفظ کرامت انسانی متهم تصریح شده است.

۱-۳-۵- اصل تساوی سلاح ها

اصل برابری سلاح ها در امور کیفری، عبارت است از برابری شرایط و امکانات دفاع از خود (طرفین دعوی) به عبارتی طرفین دعوی باید از امکانات برابر برخوردار باشد. اهمیت این موضوع در دعوی کیفری ملموس تر از دعوی مدنی است چرا که اصل ترافعی بودن محاکمات در موضوعات مدنی مانع از خدشه جدی بر اصل مذکور می شود. لیکن در دعوی کیفری به دلیل سپردن اختیار تعقیب متهم به دادستان که بهرمنند از امکانات دولتی و نیروی متخصص است مانع جدی سر راه اعمال این اصل و رعایت آن است، در چنین وضعی اگر از متهم حمایت نشود، رهایی متهم از اتهام و در صورت بی گناهی دشوار خواهد بود^۲

تعریف دیگری که از برابری سلاح ها شده است این است که: «تساوی سلاح ها به معنی برابری امکانات طرفین رسیدگی حقوقی یا کیفری در دفاع از خود است، طرفین دعوی باید از امکانات برابر برخوردار باشد» (صفری، ۱۳۸۹، ۵۳).

«اصل برابری در مقابل دادگاه یکی از بنیادی ترین حقوق بشر است که از اصل برابری و عدم تبعیض نشأت گرفته است این

۱- اصل ۲۰ اشاره دارد به اینکه همه افراد ملت از همه حقوق انسانی برخوردارند اصل ۲۲ اشاره دارد: حیثیت، جان، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص از تعرض مصون است. اصل ۲۳ اشاره دارد تفتیش عقاید ممنوع است.

۲- برگرفته از وب سایت <http://fa.wikipedia.org>

اصل بنیادی بیانگر مبنای روشن برای اصل برابری سلاح هاست، چرا که برابری صرفاً به معنای نبود تبعیض بین اصحاب دعوی و طرفین دعوی نیست بلکه به معنای دارا بودن فرصت های برابر برای دفاع از خود است.» (همان، ۵۴) «بر پایه برابری سلاح ها، وقتی مقام های عمومی به موجب قانون یا تصمیم دادرس دارای حق شده یا از کمکی بهره مند می شوند، متهم نیز باید همان اندازه از آنها بهره مند شود. زیرا در غیر این صورت متهم در وضعیت نابسامانی قرار می گیرد نمونه نقض آن را به ویژه می توان در مرحله تحقیقات مقدماتی مشاهده کرد که حق های دفاعی متهم تا اندازه بسیاری به نفع جامعه محدود می شوند؛ مانند بهره مندی از کمک وکیل یا دسترسی به پرونده.» (ناجی، ۱۳۸۵، ۴۰) در آئین دادرسی کیفری تصریحی در خصوص اصل تساوی سلاح ها وجود ندارد. اما در قانون اساسی کشورمان به موجب اصل ۱۹ به حقوق مساوی ملت اشاره نموده است.^۱ بند یک ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: همه در مقابل دادگاها و دیوان های دادگستری متساوی هستند با توجه به اینکه ایران مطابق ماده ۹ قانون مدنی که مقرر می دارد: مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است، با توجه به قسمت اخیر می توان گفت خلاء قانون آئین دادرسی کیفری در زمینه به رسمیت شناختن اصل تساوی سلاح ها رفع شده است. البته در لایحه آئین دادرسی کیفری به موجب ماده ۲ به رعایت تساوی سلاح ها اشاره شده است. در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی نیز به موجب ماده ۶۷ به اصل رسیدگی توأم با مساوات اشاره شده است.

۱-۳-۶- اصل محاکمه شدن در مدت متعارف

دادرسی منصفانه و عادلانه ایجاب می کند متهم در مدت متعارف محاکمه شود و از اطاله دادرسی و بازجویی تا سر حد ممکن ممانعت به عمل آید. «هدف دقیق این اصل این است که متهمان مجبور نباشند برای مدت طولانی تحت یک اتهام باشند تا اینکه اتهام وارده اثبات شود. رسیدگی های طولانی مدت می توانند فشار بسیاری بر متهمان وارد کنند و به طور بالقوه نگرانی های موجود مانند بی تکلیفی در مورد آینده، ترس از محکومیت و تهدید و ضمانت اجرایی با شدت نامشخص را تشدید کنند» (ترشل، سامرز، ۱۳۸۵، ۳۱۰). توجه به این اصل هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله محاکمه و دادرسی از طرف مقامات قضایی الزامی است. اما متأسفانه تسریع در رسیدگی در قانون آئین دادرسی کیفری به موجب ماده ۶۱ فقط در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی است.^۲ در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی به اصل محاکمه شدن متهم در مدت متعارف به عنوان رعایت حقوق متهم در بند ۱ قسمت ج ماده ۶۷ اشاره شده است.^۳ بند ۳ قسمت ج ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به حقوق متهم اشاره شده مقرر گردیده است: که بدون تأخیر موجه در مورد متهم قضاوت شود. در

۱- اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

۲- ماده ۶۱ تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی شود.

۳- ماده ۶۷ اساس نامه ۱- برای هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات اساس نامه به طور علنی و منصفانه و بی طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات محاکمه شود (بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود)